
تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۸۳

آیه ۴۶-۴۹

آیه و ترجمه

و بینهما حجاب و علی الاعراف رجال یعرفون کلا بسیمئهم و نادوا اصحاب الجنة ان سلم علیکم لم یدخلوها و هم یطمعون ۴۶
 و اذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظلمین ۴۷
 و نادى اصحاب الاعراف رجالا یعرفونهم بسیمئهم قالوا ما اغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون ۴۸
 اهؤلاء الذین اقسمت لا ینالهم الله برحمة ادخلوا الجنة لا خوف علیکم و لا انتم تحزنون ۴۹
 ترجمه :

۴۶ - و در میان آندو (بهشتیان و دوزخیان) حجابی قرار دارد و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آندو را از سیمایشان می شناسند و به بهشتیان صدا می زنند که درود بر شما باد، اما داخل بهشت نمی شوند در حالی که امید آن را دارند.
 ۴۷ - و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می افتد می گویند: پروردگار ما را با جمعیت ستمگران قرار مده!
 ۴۸ - و اصحاب اعراف مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می شناسند صدا می زنند و می گویند دیدید که گردآوری شما (از مال و ثروت و زن و فرزند) و تکبرهای شما به حالتان سودی نداد؟!
 ۴۹ - آیا اینها (این واماندگانی که بر اعراف هستند) همانها نیستند که سوگند یاد کردید

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۸۴

رحمت خدا هرگز شامل حالشان نخواهد شد (ولی به خاطر ایمان و بعضی اعمال خیرشان خداوند آنها را مشمول رحمت خود ساخت هم اکنون به آنها گفته می شود) داخل بهشت شوید که نه ترسی دارید و نه غمناک می شوید.

تفسیر :

اعراف گذرگاه مهمی به سوی بهشت

در تعقیب آیات گذشته که گوشه‌ای از سرگذشت بهشتیان و دوزخیان را بیان می‌کرد، در این آیات درباره اعراف که منطقه‌ای است حد فاصل میان بهشت و دوزخ، با ویژگی‌هایی که دارد سخن می‌گوید. نخست به حجابی که در میان بهشتیان و دوزخیان کشیده شده است اشاره کرده، می‌گوید: «میان این دو گروه حجابی قرار دارد» (وبینهما حجاب). از آیات بعد چنین استفاده که حجاب مزبور همان «اعراف» است که مکان مرتفعی است در میان این دو گروه، که مانع از مشاهده یکدیگر می‌شود، ولی وجود چنین حجابی مانع از آن نیست که آواز و صدای یکدیگر را بشنوند چنانکه در آیات قبل گذشت، بسیار دیده‌ایم که همسایگان مجاور از پشت دیوار با یکدیگر سخن می‌گویند و از حال یکدیگر جويا می‌شوند، در حالی که یکدیگر را نمی‌بینند، البته کسانی که بر اعراف یعنی قسمت‌های بالای این مانع مرتفع قرار دارند، هر دو گروه را می‌توانند ببینند (دقت کنید). گرچه از پاره‌ای از آیات قرآن مانند آیه ۵۵ سوره صافات استفاده می‌شود که اهل بهشت گهگاه می‌توانند، از مقام خود، سر برآورند و دوزخیان را بنگرند، ولی این گونه استثنائات منافاتی با چگونگی بهشت و دوزخ و وضع اصلی آن دو ندارد، و آنچه در بالا گفته شد، کیفیت اصلی این دو موقف را نشان می‌دهد، اگرچه این قانون نیز استثناهائی دارد و ممکن است در شرایط خاصی بعضی از بهشتیان،

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۸۵

دوزخیان را بنگرند.

آنچه در اینجا باید قبل از بحث درباره چگونگی اعراف موکدا یادآور شویم این است که تعبیراتی که درباره قیامت و زندگی جهان دیگر می‌شود، هیچگاه نمیتواند از تمام خصوصیات آن زندگی پرده برداری کند، و گاهی این تعبیرات جنبه تشبیه و مثال دارد و گاهی تنها شبحی را نشان می‌دهد، زیرا زندگی آن جهان در افق بالاتر و به مراتب از زندگی این جهان وسیعتر است، درست همانند وسعت زندگی این جهان در برابر دنیای رحم مادر و عالم جنین، بنابراین اگر الفاظ و مفاهیمی که برای زندگی این جهان داریم نتواند

گویای تمام آن مفاهیم باشد جای تعجب نیست.
سپس قرآن می‌گوید: «بر اعراف مردانی قرار دارند که هر یک از جهنمیان و دوزخیان را در جایگاه خود می‌بینند و از سیمایشان آنها رامی‌شناسند (و علی الاعراف رجال يعرفون کلابسیماهم).

«اعراف» در لغت جمع عرف (بر وزن گفت) به معنی محل مرتفع و بلند است، و اینک به یالهای اسب و پره‌های بلند پشت گردن خروس، «عرف الفرس» یا «عرف الدیک» گفته می‌شود به همین جهت است که در محل مرتفعی از بدن آنها قرار دارد (درباره خصوصیات سرزمین اعراف که در آیه آمده پس از پایان تفسیر آیات به تفصیل سخن خواهیم گفت).
سپس می‌گوید: مردانی که بر اعراف قرار دارند بهشتیان را صدا می‌زنند و می‌گویند: درود بر شما باد، اما خودشان وارد بهشت نشده‌اند، اگر چه بسیار تمایل دارند (و نادوا اصحاب الجنة ان سلام علیکم لم یدخلوها وهم

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۸۶

یطمعون).
اما به هنگامی که به سوی دیگر نگاه می‌کنند و دوزخیان را در دوزخ می‌بینند، به درگاه خدا راز و نیاز می‌کنند و می‌گویند: پروردگارا ما را با جمعیت ستمگران قرار مده (و اذا صرفت ابصارهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمین).
قابل توجه اینک درباره مشاهده دوزخیان در آیه فوق تعبیر به اذا صرفت ابصارهم شده است، یعنی هنگامی که چشم آنها به سوی دوزخیان برگردانده میشود و این در حقیقت اشاره به آن است که آنها از مشاهده دوزخیان تنفر دارند گویا نگاهشان به آنها نیز آمیخته با اکراه و اجبار است.

در آیه بعد اضافه که اصحاب اعراف، جمعی از دوزخیان را که از چهره و سیمایشان می‌شناسند صدا می‌زنند و مورد ملامت و سرزنش قرار می‌دهند که دیدید عاقبت گردآوری اموال و نفرات در دنیا و تکبر و زیدن از قبول حق، به شما سودی نداد، چه شد آن مالها؟ و کجا رفتند آن نفرات؟ و چه نتیجه‌ای گرفتید از آنهمه کبر و خودپرستی؟ (و نادى اصحاب الاعراف رجالا يعرفونهم بسیماهم قالوا ما اغنى عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون).

بار دیگر با همان زبان ملامت و سرزنش در حالی که اشاره به جمعی از ضعفای مومنان که بر اعراف قرار گرفته‌اند می‌کنند، می‌گویند: «آیا اینها

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۸۷

همان کسانی هستند که شما سوگند یاد کردید هیچگاه خداوند آنان را مشمول رحمت خود قرار نخواهد داد» (اهؤلاء الذین اقسمتم لاینالهم الله برحمة).

سرانجام رحمت الهی شامل حال این دسته از ضعفای مومنان شده و به آنها خطاب می‌شود که وارد بهشت شوید نه ترسی بر شما است و نه در آنجا غم و اندوهی دارید (ادخلوا الجنة لا خوف علیکم و لا انتم تحزنون).

از آنچه گفتیم روشن شد که منظور از ضعفای مومنان آنها هستند که ایمان دارند و دارای حسنات و کارهای نیکی هستند، ولی بر اثر آلودگیها و پاره‌های از گناهان همواره مورد تحقیر دشمنان حق قرار داشتند و روی آنها تکیه می‌کردند چگونه ممکن است چنین افرادی مشمول رحمت الهی واقع شوند، ولی سرانجام روح ایمان و حسناتی که داشتند، در پرتو لطف و رحمت الهی کار خود را می‌کند و سرنوشت سعادتمندانهای می‌یابند.

اصحاب اعراف چه کسانی هستند؟

همانطور که گفتیم «اعراف» در اصل به معنی زمینهای برجسته است و با قرائنی که در آیات فوق و احادیث پیشوایان اسلام آمده روشن می‌شود که مکان خاصی است میان دو قطب سعادت و شقاوت یعنی بهشت و دوزخ که همچون حجابی میان این دو کشیده شده و یا همچون زمین مرتفعی در میان این دو فاصله گردیده است به طوری که آنها روی آن قرار دارند، مشرف بر بهشت و دوزخند و هر دو گروه را مشاهده می‌کنند، و از چهره‌های تاریک و روشن آنها می‌توانند آنها را بشناسند اکنون ببینیم چه کسانی بر اعراف قرار دارند و اصحاب اعراف کیانند؟

بررسی آیات چهارگانه فوق نشان می‌دهد که دو گونه صفات مختلف و متضاد برای این اشخاص ذکر شده است:

در آیه اول و دوم، افرادی که بر اعراف قرار دارند چنین معرفی شده‌اند که

آرزو دارند وارد بهشت شوند ولی موانعی آنها را جلوگیری کرده است به‌هنگامی که نگاه به بهشتیان می‌کنند بر آنها درود می‌فرستند، و می‌خواهند با آنها باشند، اما هنوز نمی‌توانند، و به‌هنگامی که نظر به دوزخیان می‌افکنند، از سرنوشت آنها وحشت نموده و به خدا پناه می‌برند.

ولی از آیه سوم و چهارم استفاده می‌شود که آنها افرادی با نفوذ و صاحب قدرتند، دوزخیان را مؤاخذه و سرزنش می‌کنند و به و اماندگان در اعراف کمک می‌نمایند که از آن بگذرند و به سر منزل سعادت برسند.

روایاتی که در زمینه اعراف و اصحاب اعراف نقل شده نیز ترسیمی ازدو گروه متضاد می‌کند، در بسیاری از روایات که از ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده می‌خوانیم: نحن الاعراف: «مائیم اعراف» یا «آل محمد هم

الاعراف»: «خاندان پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) اعرافند» و مانند این تعبیرات.

و در بعضی دیگر از روایات می‌خوانیم: هم اکرم الخلق علی الله تبارک و تعالی: «آنها گرامیترین مردم در پیشگاه خداوند» و یا هم الشهداء علی الناس و النبیون شهدائهم: «آنها گواهان بر مردمند و پیامبران گواهان آنها هستند» و روایات دیگر که حکایت دارد آنها پیامبران و امامان و صلحاء و بزرگانند.

ولی دسته دیگری از روایات می‌گوید: آنها و اماندگانی هستند که بدیها و نیکی‌هایشان مساوی بوده است یا گنهکارانی هستند که اعمال نیکی نیز داشته‌اند، مانند حدیثی که از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده که فرمود: هم قوم استوت حسناتهم و سیئاتهم فان ادخلهم النار فبذنوبهم و ان ادخلهم الجنة فبرحمتهم: «آنها گروهی هستند که حسنات و سیئاتشان مساوی است، اگر خداوند آنها را

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۸۹

به دوزخ بفرستد بخاطر گناهانشان است و اگر به بهشت بفرستد به برکت رحمت او است».

روایات متعدد دیگری در تفاسیر اهل تسنن از «حذیفه» و «عبدالله بن عباس» و «سعید بن جبیر» و امثال آنها به همین مضمون نقل شده است. در همین تفاسیر نیز مدارکی بر اینکه اهل اعراف، صلحاء و فقها و علما و یا

فرشتگان هستند دیده می‌شود.

گرچه ظاهر آیات و ظاهر این روایات در ابتدا متضاد به نظر می‌رسد، و شاید همین امر سبب شده است که مفسران در این باره اظهار نظرهای متفاوت و گوناگون کنند، اما با دقت روشن می‌شود که نه در میان آیات و نه در میان روایات تضادی وجود ندارد، بلکه همه یک واقعیت را تعقیب می‌کنند. توضیح اینکه همانطور که گفتیم از مجموع آیات و روایات چنین استفاده که اعراف گذرگاه سخت و صعب العبوری بر سر راه بهشت سعادت جاویدان است، طبیعی است که افراد نیرومند و قوی یعنی صالحان و پاکان با سرعت از این گذرگاه عبور می‌کنند اما افرادی که خوبی و بدی را به هم آمیختند در این مسیر واهی مانند.

همچنین طبیعی است که سرپرستان جمعیت و پیشوایان قوم در گذرگاه‌های سخت همانند فرماندهانی که در اینگونه موارد در آخر لشکر راه می‌روند تا همه سپاهیان بگذرند، در آنجا توقف می‌کنند تا به کمک ضعفای مومنان بشتابند و آنها که شایستگی نجات را دارند در پرتو امدادشان رهائی یابند.

بنابراین در اعراف، دو گروه وجود دارند، ضعیفان و آلودگانی که در رحمتند و پیشوایان بزرگی که در همه حال یار و یاور ضعیفانند، بنابراین قسمت

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۹۰

اول آیات و روایات اشاره به گروه نخستین یعنی ضعیفا است و قسمت دوم اشاره به گروه دوم یعنی بزرگان و انبیاء و امامان و صلحا. در بعضی از روایات نیز شاهد این جمع به خوبی دیده می‌شود مانند روایتی که در تفسیر علی بن ابراهیم از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «الاعراف کثبان بین الجنة و النار و الرجال الائمة یقفون علی الاعراف مع شیعتهم و قد سبق المؤمنون الی الجنة بلا حساب ...» «اعراف، تپه‌های است میان بهشت و دوزخ، و امامان آن مردانی هستند که بر اعراف در کنار شیعیان (گناهکارشان) قرار می‌گیرند، در حالی که مؤمنان (خالص) بدون نیاز به حساب در بهشت جای گرفته‌اند ...»

بعد اضافه می‌کند: «امامان و پیشوایان در این موقع به پیروان گناهکار خود می‌گویند خوب نگاه کنید، برادران با ایمان خود را چگونه بدون حساب به

بهشت شتافته‌اند، و این همان است که خداوند می‌گوید: سلام علیکم لم یدخلوها و هم یطمعون (یعنی آنها به بهشتیان درود می‌فرستند در حالی که خودشان هنوز وارد بهشت نشده‌اند و آرزو دارند).

سپس به آنها گفته می‌شود، دشمنان حق را بنگرید که چگونه در آتشند و این همان است که خداوند می‌فرماید: و اذا صرفت ابصارهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمین ... بعد به دوزخیان می‌گویند اینها (پیروان و شیعیانی که آلوده گناهای بوده‌اند) همانها هستند که شما می‌گفتید هرگز مشمول رحمت الهی نخواهند شد، (سپس رحمت الهی شامل حال آنها شده) و به این دسته از گنهکاران (که بر اثر ایمان و اعمال صالحی شایستگی عفو و آمرزش دارند) از طرف امامان و پیشوایان دستور داده می‌شود که به سوی بهشت بروید نه ترسی دارید و نه غمی.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۹۱

شبهه همین مضمون در تفاسیر اهل تسنن از حذیفه از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است.

بار دیگر تکرار می‌کنیم که سخن درباره جزئیات رستخیز و خصوصیات زندگی در جهان دیگر درست به این می‌ماند که ما از دور شبیحی ببینیم و آنرا توصیف کنیم در حالی که آن شبیح با زندگی ما تفاوت بسیاری دارد و ما تنها با الفاظ محدود و نارسای خود می‌توانیم اشاره کوتاهی به آن کنیم.

نکته قابل توجه اینکه زندگی در جهان دیگر بر اساس الگوهای است که از این جهان گرفته می‌شود در مورد اعراف نیز همینگونه است زیرا در این دنیا مردم سه گروهند، مومنان راستین که در پرتو ایمان به آرامش کامل رسیده‌اند و از هیچگونه مجاهدتی دریغ ندارند، و معاندان و دشمنان لجوج حق که به هیچ وسیله به راه نمی‌آیند، و گروه سومی که در گذرگاه صعب العبوری میان این دو گروه قرار گرفته‌اند و بیشتر توجه رهبران راستین و پیشوایان حق نیز به آنها است که در کنارشان بمانند و دستشان را بگیرند و از مرحله اعراف مانند نجاتشان دهند تا در صف مومنان حقیقی قرار گیرند.

و از اینجا نیز روشن می‌شود که دخالت انبیاء و امامان در وضع این گروه در قیامت همانند دخالتشان در زمینه رهبری در این دنیا هیچگونه منافاتی با قدرت مطلقه پروردگار و حاکمیت او بر همه چیز ندارد، بلکه هر چه آنها

می کنند به اذن و فرمان او است.

